

کلام رهبر



به پرکاری علمی نیاز داریم

آنچه که اسانید ما برای پیشرفت علم، وجهه همت خودشان باید قرار بدهند، اولاً «شجاعت علمی» در همه بخش هاست. نظریه را دنبال کنند، تولید کنند، خلق کنند، ابداع کنند، نقد کنند؛ چشم‌پسته و تقلیدی نباید کار را دنبال کرد. مشکل ما در گذشته همیشه این بوده که در زمینه‌های مختلف در همه زمینه‌های علمی، چشم‌پسته و تقلیدی نگاه کردیم که ببینیم غربی‌ها چه می‌گویند. درست است که غربی‌ها حداقل دو قرن، دو قرن و نیم از ما در حرکت علمی جلوتر بودند و به مناطق خیلی عجیب و باور نکردنی‌ای هم رسیدند؛ در این فرآیند، ما هم عقب ماندیم؛ ما همه افتخارات گذشته‌مان، به خاطر تقلیدها و سوءساست‌ها در این تردیدی نیست. اما من قبلاً هم گفته‌ام، ما از شاگردی کردن پیش کسی که بلد است، ننگ‌مان نمی‌آید؛ ولی می‌گوییم نباید فکر کنیم که ما همیشه باید شاگرد بمانیم. معنای این نگاه تقلیدی، این است؛ ما همیشه باید شاگرد بمانیم. ناواری لازم است. اعتماد به نفس شخصی و اعتماد به نفس ملی در اساتید ما، یک ضرورت است. اولاً اسناد ما شخصاً اعتماد به نفس داشته باشد و علم کاری بکنند. به آن کار علمی‌اش تکیه بکند و افتخار نکند. ثانیاً، اعتماد به نفس ملی داشته باشد. به قابلیت و توانایی‌های این ملت اعتماد داشته باشد. اگر این معنا در یک اسناد وجود داشته باشد، این سرریز خواهد شد در محیط درس، در کلاس درس، در انتقال به دانشجو و تأثیر تربیتی خودش را خواهد گذاشت. و تبلی و پیامان... در بخش‌ها و سطوح مختلف- ضربه خوردیم. باید کار کرد و از کار نباید خسته شد.

۱۳ مهر ۱۳۸۵

تربیون دانشجویی

مسئولان پیام‌نور باید بابت چگونگی مصرف شهریه‌ها گزارش دهند

■ مهدی براتی*

دانشگاه پیام‌نور یک دانشگاه دولتی است که مبتنی بر آموزش نیمه‌حضوری و غیر حضوری است و اکثر بار یادگیری بر عهده دانشجویان است. جالب است بدانید که طبق آمارهای رسمی این دانشگاه که یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های کشور محسوب می‌شود، از نظر علمی جزو ۲۵۰ دانشگاه برتر آسیا و ۲۵ دانشگاه برتر ایران محسوب می‌شود.

من و دیگر هم دانشگاهیانم در دانشگاه پیام نور واحد اصفهان مشغول به تحصیل هستیم که یکی از مراکز بزرگ دانشگاه پیام‌نور محسوب می‌شود ولی متأسفانه کیفیت آموزش آن در سطح مناسبی قرار ندارد و دو اکثر دانشجویان از این مسئله گلایه دارند و می‌گویند برخی از اساتید نمی‌توانند آموخته‌های خود را به خوبی به دانشجویان منتقل کنند.

علاوه بر این موضوع دانشگاه با یک نوع بی‌برنامگی درگیر است که دود آن فقط و فقط به چشم دانشجویان می‌رود. متأسفانه اکثر کلاس‌های حضوری که برای رفع اشکال و مرور سرفصل‌های درسی در سایت دانشگاه اعلام می‌شود بدون اینکه اطلاع‌رسانی شوغ لغو می‌شود و این باعث می‌شود که دانشجویان از سراسر استان اصفهان به دانشگاه مراجعه کنند و آنجا با این‌خبر مواجه شوند که کلاس مورد نظر برگزار نمی‌شود. به این ترتیب وقت که ارزش‌ترین سرمایه یک دانشجویان را از بین می‌برد، دانشجویان نظر مالی متضرر می‌شوند و به آنچه به خاطر آن شهریه بر پرداخت می‌کند دست نمی‌یابد.

مسئله شهریه به یکی دیگر از مواردی است که در دانشگاه پیام‌نور دانشجویان را آزار می‌دهد چراکه شهریه افزایش پیدا می‌کند ولی امکانات آموزشی دانشگاه افزایش پیدا نمی‌کند و در اکثر موارد این شهریه‌ها در امور عمرانی صرف می‌شود.

شهری جالب است بدانید که از هر دانشجوی دانشگاه پیام‌نور در سراسر کشور در هر ترم ۳۵ هزار تومان به خاطر مسائل فرهنگی اخذ می‌شود که اگر میزان آن فقط برای دانشجویان مرکز اصفهان محاسبه کنیم رقم کلانی می‌شود، ولی عملاً خروجی آن مشاهده نمی‌شود چراکه بنده به عنوان فعال فرهنگی اثری از تخصیص مناسب بودجه فرهنگی به تشکلهای دانشجویی و کانون‌های علمی فرهنگی نمی‌بینم و یک فعال فرهنگی بعد از کلی دوندگی برای کسب بودجه یک برنامه فرهنگی می‌تواند آن برنامه را با حداقل‌ها بر گزار کند. به نظر ما باید با دانشجویان

صادق بود و مسئولان به آنها به خاطر شهریه‌ای که می‌پردازند گزارش دهند که چه میزان از آن و بابت چه اموری خرج شده است، چراکه بسیاری از دانشجویان واقعا به زحمت توانایی تهیه هزینه تحصیل خود را دارند و حق آنهاست که بدانند پولی که به دانشگاه می‌دهند چگونه و در چه راهی هزینه می‌شود.

■ **مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه پیام‌نور اصفهان**

گزارش

حسن رضایی

دانشگاه

حاشیه‌ای بر تاریخ نفوذ در دانشگاه

نفوذ در دانشگاه از ماساچوستی‌ها تا آقای توسعه!



اینها ببینید. هر چه جلو می‌رویم، حوزه توسعه اقتصادی ما ضعیف و حوزه توسعه نظامی ما که هم‌عاش دست‌امریکایی‌ها بود، گسترده می‌شود. نفوذ از این بی‌در دستر تر و بی‌غل و غش‌تر را در هیچ‌جای دنیا نمی‌بینید، ولی در تشکیلات پهلوی وجود داشت. حالا چه رسد به جاسوسی که اساساً مکانیزم دیگری دارد. «در واقع امریکا به خوبی توانسته بود راهبرد خود برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در جامعه دانشگاهی و بدنه دولت ایران را با استفاده از خدمات دستپروده‌های خود در دانشگاه‌های امریکا عملیاتی کند و در مقابل، نفوذ عمیق و چند لایه خود را در بدن جامعه دانشگاهی ایران عملیاتی کند. نفوذی مبنایی که پتانسیل بسط و گسترش به تمامی ابعاد دیگر جامعه را نیز دارا بود.

■ **استمرار نفوذ در دانشگاه‌ها پس از انقلاب**

پیروزی انقلاب اسلامی و اجرای انقلاب فرهنگی نیز نتوانست ریشه‌های این نفوذ را در مجامع علمی -دانشگاهی ایران بشکند. چه اینکه نفوذ عملی -توسعه‌طلبانه دکان دانشگاه‌های غرب در بدنه اجرایی انقلاب فرهنگی، عملاً این فرآیند را نیز عقیم و ناقص گذاشت. عبدالکریم سروش مهم‌ترین مهره لیبرالی بود که در ترکیب اولیه هیئت‌انقلاب فرهنگی حضور داشت و در عمل نیز به خوبی توانست این شورا را از اهداف خود دور کند. وی که پیش از این به تحصیل فلسفه در انگلستان پرداخته بود، به صورت آشکاری تحت تأثیر افکار کارل پوپر یکی از عناصر اصلی جنگ سرد فرهنگی سیا علیه شوروی سابق بود. پوپر در واقع یکی از زئتل‌های جنگ‌نرم ایالات متحده و سازمان سیا در مقطع زمانی جنگ سرد بود. آنگونه که خانم فرانسس ساندرس، پژوهشگر و روزنامه‌نگار انگلیسی در کتاب «جنگ سرد فرهنگی» اشاره می‌کند، در دوران مذکور سازمان سیا به عنوان «وزارت فرهنگ بلوک غرب» عمل می‌کرده و کارل پوپر نیز در کنار افرادی همچون توماس کوهن، آرتور شلزینگر (پسر)، سرسز ایزایابراین، والت ویتمن روستو، جیمز برنهام، دانیل بل، ریچمن آرون، هانا آرنت، ابروینگ کریستول، سیدنی هوک، آرتور کوستلر، هنری لوس، رینولدنیسور و رابرت کانکوشت از مهم‌ترین شوالیه‌های جنگ سرد فرهنگی سازمان سیا به شمار می‌رفته است.

سروش در واقع نه به دنبال اسلامی کردن دانشگاه‌ها که به دنبال بسط تفکرات التقاطی و ضداسلامی خود در بدن جامعه دانشگاهی ایران بود. با این وجود، چهره موجهی و با‌مدتها می‌گویی: «دوره‌هایی را داریم که در دوره پهلوی به شکل مخفی به امریکا فرستاده شدند و در امریکا تحصیل کردند، ولی متأسفانه رد پای آنها در مکتوبات تاریخی نیست. شاید اگر اسم آنها را ببرم تعجب نکنید. علت این هم که ثبت نشده این است که هنوز هستند و الان هم این شبکه دارد در ایران کار می‌کند. بنده به عنوان یک دانشجوی سیاست‌معتقد کم این شبکه هست. مثلاً گروهی از دانشجویان را داریم که قبل از اجرای اصل ۴ ترومن، از طریق کمک‌های فنی امریکا به ایران، شسکار شدند و بعد اداره اصل ۴ ترومن در نزدیکی‌های حکومت مصدق تشکیل شد و اینها رسماً انتخاب و به امریکا فرستاده شدند. اغلب اینها در ایالت ماساچوست درس خواندند و وقتی به ایران آمدند، به «گروه ماساچوستی‌ها» شهرت داشتند، ولی الان اگر در تاریخ مکتوب و اینترنت جست‌وجو کنید از این گروه چیزی گیر نمی‌آورد.»

وی در تشریح نقش این افراد در بدنه دولت دانشگاه ایران در دوره پهلوی می‌گوید: «بن گروه ماساچوستی‌ها را در آن دوران «کست سه‌چاکی» هم می‌گفتند. جالب این است که این گروه بعدها یک جریان به نام کانون مترقی را در ایران درست می‌کنند که از دل آن «حزب ایران نوین» درمی‌آید و از سال ۴۰ تا ۵۷ کشور دست‌انپهاست و اینها هستند که سازماندهی می‌کنند. مبادلات تجاری و نظامی ما را در دوران



ایران به حساب می‌آمدند. اندیشه‌هایی که در تعارض آشکار با مفاهیم دینی و اسلامی قرار می‌گرفت. مصطفی تساجزاده که بعدها در قامت یکی از اصلی‌ترین طراحان غائله ۱۸ تیر در به‌گونه‌ای که سیطره پوزیتیویسمی علوم اگر نسبت به قبل از انقلاب بیشتر نشده باشد، کمتر هم نشده است.»

رز شناس که از برجسته‌ترین غرب‌شناسان کشور به حساب می‌آید، توسعه آموزش علوم انسانی در سطح دانشگاه‌ها را نخستین اقدام سروش معرفی کرده و می‌گوید: «این اقدام عبدالکریم سروش نیز کاملاً هدفمند بوده است. به این دلیل که محتوا و جهان‌بینی دروس علوم انسانی کاملاً سکولار بود. وی می‌خواست با تغییر مورد نظر خود در علوم به صورت تدریجی زمینه تغییر را فراهم کند و مقدرات فرهنگی کشور را به دست بگیرد. تا به این ترتیب بعد از تغییرات فرهنگی، مقدرات سیاسی کشور را نیز به دست بگیرد که همین گونه هم شد. سروش نظام‌دانشگاهی جدیدی را طراحی کرد که بستر نظام تهاجم فرهنگی شد. تغییراتی که دکتر سروش در شورای عالی انقلاب فرهنگی را رهبرش بود به جای اینکه به پالایه علوم کمک کند، نظام دانشگاهی را به صورت پنهان کارانه در اختیار نظام‌دانشگاهی سکولاریستی و اومانستی لیبرالی قرار داد. سروش فضای جولان را برای اساتدان سکولار و نئولیبرال فراهم کرد. اگرچه اساتید مارکسیست را تصفیه و اتاق جنگ نیروهای توریستی را از دانشگاه جمع کرد اما موجهی از نیروهای نئولیبرال تکنوکرات می‌اعتقاد آفریدند و در دانشگاه‌ها به آنها میدان دادند.»

■ **حلقه کبان و جریان نفوذ**

ان نفوذ اندیشه‌های اومانستی غربی در سطح دانشگاه‌های کشور محدود به اقدامات عبدالکریم سروش در سناتد انقلاب فرهنگی نماند. وی بعدها نیز توانست با پرورش افرادی همفکر خود، تأثیرات قابل توجهی بر فضای سیاسی و فرهنگی کشور بگذارد. فعالیت وی در حلقه کبان در واقع مکمل فعالیت‌های پیشین وی در زمینه گسترش علوم انسانی غربی در نظام دانشگاهی کشور بود. وی در کنار حسین بشیریه به بال اصلی ترویج اندیشه‌های لیبرال در متن جامعه دانشگاهی



اعزاز بیش از ۲۵۰۰ دانشجوی در رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه‌های اروپا و امریکا، خواه ناخواه بخشی از پروژه نفوذ در نظام دانشگاهی جمهوری اسلامی می‌آمد. این افراد برای تحصیل در دوره دکترا به کشورهای انگلستان، کانادا، استرالیا و فرانسه اعزام شده بودند؛ این دسته افراد به حساب می‌آید. وی که فارغ‌التحصیل علوم سیاسی از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی است، هم‌اکنون کرسی تدریس در دانشکده علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی را در اختیار دارد. این عمده تلاش خود را برای ارائه نسخه‌های توسعه غربی برای ایران متمرکز کرده است. وی معتقد است: «یکی از دلایلی که نتنها ایران، بلکه کل منطقه خاورمیانه مشکل توسعه‌یافتگی دارد، این است که در این منطقه، هویت فرهنگی قوی‌ای وجود دارد که آمادگی ادغام با فرهنگ جهانی را ندارد... ما در دنیا لفظ، مفهوم و تعبیری به نام استقلال اصلاً نداریم. استقلال تعبیری است که در دهه ۱۹۵۰ میلادی کشورهای فریقایی برای دوره استعمارز دایی استقلال می‌کردند. مفهومی بود که مؤثر افتاد و در کسب حاکمیت ملی برای ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی مفید بود، اما امروز لغت استقلال کاربرد ندارد.» آنگونه که مشاهده می‌شود؛ وی در قرن ۲۱ مشغول بازتولید افکار پوسیده روشنفکران فاجاری و تئوریزه کردن از سر تا پا غربی شدن ملت ایران می‌رسیدن به پیشرفت‌مانظر خوداست؛ به راستی کلین پاول وزیر امور خارجه امریکا در سال ۲۰۰۱ خود گفته بود که «من نمی‌توانم داشته‌های بارزش‌تر از دوستی با بهرمان آتی دنیا که در اینجا تحصیل کرده‌اند برای کشور خودمان نام ببرم.» و این مسئله کماکان ادامه دارد!

حرف استاد

برای نوشتن مقالات باید کار تیمی کرد



دکتر رویا کلیشادی

مدیر منابع دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

خود هنوز تجربه و مهارت کافی ندارند، بنابراین استاد راهنما و پژوهشگرانی که تجربه بیشتری دارند باید در مسیر نوشتن پایان‌نامه و مشخص کردن نقشه کلی و عناوین کلی تحقیق با دانشجویان همکاری کنند. تقلب کردن مثل هر جای دیگری در آموزش هم وجود دارد و وجود وجدان کاری است که از تقلب جلوگیری می‌کند. برای مثال در رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی هر فردی باید پلیس خود باشد و پلیس در جامعه تا حدی می‌تواند کنترل‌کننده وضعیت قانون و مقررات باشد؛ اما در بسیاری از موارد علت رعایت نکردن قوانین، عدم اطلاع و آگاهی افراد از خطاهای پژوهشی است، بنابراین نظارت شورا‌های پژوهشی حین انجام پروژه اهمیت بسیاری دارد. دانشجویان باید خودشان مهارت‌های لازم برای نگارش مقاله را فرا بگیرند و اگر دانشجویان از فرد یا شرکت مشاوره‌ای در نوشتن مقاله کمک می‌گیرند باید خودشان در تمام مراحل مشارکت فعال باشند، نه اینکه در مرحله شاهد خریدوفروش طرح پژوهشی یا مقالات باشیم. باید این روند متوقف شود زیرا این مسئله غیراخلاقی به‌شدت به وجهه علمی کشور آسیب می‌زند. باید جایگاه مقالات در سطح بین‌المللی برای دانشجویان تعیین شود تا دانشجویان برای رفع تکلیف به ارائه مقاله روی نیاورند، همچنین افراد برای نوشتن مقاله باید تیمی کار کنند زیرا یک نفر مهارت کافی در تمام زمینه‌ها عم از تخصص مقاله، زبان و علم‌آمارا ندارد و از جهتی کار تیمی به افراد انگیزه می‌دهد.

روایت دانشجویی



دختر خوب، دانشجوی خوب

■ **رها محسنی فرد**

من همیشه دانش آموز خوبی بودم. فکر می‌کنم دختر خوبی هم بودم. یعنی تا یادم می‌آید همه باب و تاب پشت سر و پیش رویم می‌گفتند: «به یاد چه دختر آروم و خانومی؛ بچه اینقدر آروم و بی‌سر و صدا، اینقدر در سخون و باهوش... باریکلا»

اما راستش را بخواهید همین بی‌سروصدایی که همیشه به‌خاطرش بدربریزگ و خاله و ناظم مدرسه تشویقم می‌کردند، در دانشگاه حسایی برایم دردسرساز شده؛ آنقدر که امروز دکتر ریجعی، استاد مبانی فلسفه‌مان، عین این شاگرد تبل‌ها از من خواست تا بعد از کلاس به اتاقش بروم.

خانم ریجعی را دوست دارم برای اینکه مثل خیلی از استاد‌های دیگر می‌تواند شما را آید و بی‌حاصله نمی‌رود. نشسته بودم روبه‌رویش و هی با مقنعه‌ام ور می‌رفتم. نمی‌توانستم حدس بزنم با من چه کار دارد. خوب شد خوش‌تا نشستی بی‌مقدمه شروع کرد: «ببینم جلالی، تو چرا هیچی سر کلاس نمیگی؟ چرا خوب صحبت‌ش که شرت نمیکنی؟ چرا اینقدر آروم و بی‌سروصدایی دختر؟! بدون اینکه سرم را بالا بیاورم، آب دهنم را قورت دادم و هرچه فکر کردم پاسخی به نظرم نرسید.

- شما دانشجویها تو اینستا و پلاس و فیس‌بوکتون در مورد زمین و زمان حرف می‌زنید، بعد سر کلاس هیچ صدایی از تون در نمیاد... همش دو سه نفر حرف می‌زنن... البته این برای من عجیب نیست؛ اینکه شما چرا هیچ حرفی نمی‌زنی عجیب؛ دیروز «کارنوشت» کلاسیت رو خوندم؛ با یک نگاه فهمیدم حداقل دود، سه کتاب خوب در این زمینه خوندمی؛ مبانی فلسفی رو می‌شناسی؛ خوب امروز در مورد همین موضوع سر کلاس بحث شد، چرا هیچی نگفتی پس؟

از اینکه از کارنوشتم تعریف کرد، خیلی خوشحال شده بودم. ولی هنوز هم نمی‌دانستم چه جوابی باید بدهم. مثل همیشه با خجالت گفتم: «خوشحالم که کارنوشتم خوب بوده به نظر تون؛ چی بگم، من همیشه سختمه حرف‌بزنم توی جمع؛ دیگرانم نظرم خوب‌نباشه با اطلاعاتم نامرپوش باشه؛ بیشتر گوش میکنم.» - شماها دانشجوی ترم اول هستید؛ چه استادی از شما انتظار داره نظرات کارشناسی شده با اطلاعات عجیبی ارائه بدی؟ شما باید جنب‌وجوش داشته باشید دخترم؛ نظرتون رو بدید حالا هر چی که هست... آدم علوم انسانی خون باید قدرت تکلم داشته باشه، قدرت تحلیل داشته باشه.

همانطور که سرم پایین بود گفتم: بله...

دلم می‌خواست می‌گفتیم: «ها که ۱۲ سال در سیستم آموزشی هی کتابا را خورده‌ایم و همون‌ها را مو به مو تحویل معلم‌ها دادیم، ما که عمری برای سنگین‌رتگین بودن وساکت‌نشتن تشویق شده‌ایم، چطور ی یک‌شبه بشیم دانشجوی خلاق و پیشنی از انقلاب اسلامی مفید بود، اما امروز لغت استقلال کاربرد ندارد.» آنگونه که مشاهده می‌شود؛ وی در قرن ۲۱ مشغول بازتولید افکار پوسیده روشنفکران فاجاری و تئوریزه کردن از سر تا پا غربی شدن ملت ایران می‌رسیدن به پیشرفت‌مانظر خوداست؛ به راستی کلین پاول وزیر امور خارجه امریکا در سال ۲۰۰۱ خود گفته بود که «من نمی‌توانم داشته‌های بارزش‌تر از دوستی با بهرمان آتی دنیا که در اینجا تحصیل کرده‌اند برای کشور خودمان نام ببرم.» و این مسئله کماکان ادامه دارد!